

قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن

مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱^۱

ماده ۱

هر کس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی^۳ دیگر، با هر میزان غلظت موجب جنایت بر نفس، عضو یا منفعت شود،

❖ در صورت مطالبه از ناحیه مجنی‌علیه یا ولی دم حسب مورد با رعایت شرایط مقرر در کتاب قصاص، به قصاص نفس، عضو یا منفعت محکوم می‌شود.

تبصره ۱- ریختن اسید یا سایر ترکیبات شیمیایی بر روی فرد، فرو بردن اعضای بدن در درون اسید و اعمالی نظیر آن در حکم اسیدپاشی است.

تبصره ۲- در مواردی که اسیدپاشی مشمول مقررات ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ باشد،



اقدام مرتکب، افساد فی الارض محسوب و به مجازات آن محکوم می‌شود.

یادآوری :

ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ : هر کس به‌طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود

۱. ماده واحده لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷ (منسوخ):

- ❖ هر کس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر موجب قتل کسی بشود به مجازات اعدام و
- ❖ اگر موجب مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس مجنی‌علیه گردد به حبس ابد با اعمال شاقه و
- ❖ اگر موجب قطع یا نقصان یا از کارافتادن عضوی از اعضاء بشود به حبس مجرد از ۲ سال تا ده سال و
- ❖ اگر موجب صدمه دیگری بشود به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد.
- ❖ مجازات شروع پاشیدن اسید به اشخاص حبس مجرد از دو سال تا پنج سال است.

❖ در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت اجرای ماده ۴۴ قانون کیفر عمومی بیش از یک درجه تخفیف جانی نیست.

۲. بهتر بود عبارت مذکور ترکیبات غیرشیمیایی را نیز بیان می نمود.

خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

تبصره ماده مزبور : هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.

❓ پرسش ۱- رسیدگی به جرایم اسیدپاشی در صلاحیت کدام دادگاه است؟ (آزمون وکالت ۱۳۸۸)

- الف) حسب مورد کیفری یک یا دو
ب) دادگاه کیفری یک
ج) انقلاب
د) نظامی

پاسخ ۱- الف گزینه «الف» صحیح است.

ماده ۲

هرگاه شخصی مرتکب جرم موضوع این قانون شود و مجازات آن قصاص نباشد یا به هر علتی مانند مصالحه اولیای دم، قصاص اجراء نشود، مرتکب علاوه بر پرداخت دیه یا ارش یا وجه‌المصالحه حسب مورد مطابق مقررات مربوطه، به ترتیب زیر مجازات می‌شود :



❖ الف - در جنایت بر نفس و جنایت منجر به تغییر شکل دائمی صورت بزه‌دیده ← به حبس تعزیری درجه یک؛

❖ ب - در جنایتی که میزان دیه آن بیش از نصف دیه کامل باشد، ← به حبس تعزیری درجه دو؛

❖ پ - در جنایتی که میزان دیه آن از یک‌سوم تا نصف دیه کامل باشد، ← به حبس تعزیری درجه سه؛

❖ ت - در جنایتی که میزان دیه آن تا یک‌سوم دیه کامل باشد، ← به حبس تعزیری درجه چهار؛

ماده ۳

در مورد جرائم موضوع این قانون و شروع به آن، مقررات مربوط به آزادی مشروط، تعلیق و تخفیف مجازات قابل اعمال نیست،



مگر آنکه بزه‌دیده یا اولیای دم نسبت به مجازات تعزیری مرتکب نیز اعلام گذشت کرده باشند که در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را یک درجه تخفیف دهد.

ماده ۴

مجازات معاونت در جرائم موضوع این قانون به ترتیب زیر تعیین می‌شود:



- الف - در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، سلب حیات باشد، ← به حبس تعزیری درجه دو؛
- ب - در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، قصاص عضو باشد، ← به حبس تعزیری درجه سه؛
- پ - در صورتی که مجازات مرتکب قصاص نباشد یا به هر علتی قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، ← به یک درجه پایین‌تر از مجازات تعزیری مرتکب.

ماده ۵

در کلیه موارد مذکور در این قانون،

- مرتکب علاوه بر جبران خسارت‌های مقرر در ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴^۱، ملزم به پرداخت هزینه‌های درمان بزه‌دیده می‌باشد.
- در صورتی که مرتکب با تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده متمکن از پرداخت هزینه‌های درمان نباشد، هزینه‌های مربوطه از محل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود.

تبصره ۱- سازمان بهزیستی کشور مکلف است با تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده، به بزه‌دیده‌گان موضوع این قانون خدمات روانشناختی، مددکاری و توانبخشی ارائه کند.

تبصره ۲- در مواردی که هزینه‌های موضوع این ماده و تبصره (۱)، از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی و سازمان بهزیستی پرداخت می‌شود،

^۱ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲: شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.

تبصره ۱ ماده مزبور: زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.

تبصره ۲ ماده مزبور: منافع ممکن‌الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن‌الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود.

❖ صندوق یا سازمان بهزیستی می‌توانند برای دریافت هزینه‌های پرداخت‌شده به مرتکب رجوع کنند.

نکته:

- با توجه به قاعده لاضرر، اتلاف و تسبیب، جبران هزینه‌های مازاد بر دیه اشکالی ندارد و در ماده ۵ این قانون (قانون اسیدپاشی ۱۳۹۷) نیز به صراحت این موضوع را بیان کرده است؛ اگر چه به موجب ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مقنن بر کافی بودن دیه برای کلیه خسارات و ضرر و زیان‌ها، بدون پرداخت خسارت معنوی و منافع ممکن‌الحصول توجه داشته است و پرداخت مازاد بر دیه را فاقد وجه می‌داند.

- ماده ۱۴ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲: شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.

تبصره ۱ ماده مزبور: زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.

تبصره ۲ ماده مزبور: منافع ممکن‌الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن‌الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود.

ماده ۶

به دعاوی و شکایات مربوط به جرائم این قانون خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

ماده ۷

از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۶ نسخ می‌شود.

قانون فوق مشتمل بر هفت ماده و چهار تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و یکم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۸/۸/۱ به تأیید شورای نگهبان رسید.

❓ پرسش ۱- هر کس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر موجب قتل کسی بشود محکوم می‌گردد.

الف) به اعدام. ب) به قصاص ج) به حبس ابد. د) به مجازات محارب

پاسخ ۱- ب گزینه «ب» صحیح است. در قانون مجازات اسلامی جرمی به نام اسیدپاشی نیامده است اما در لایحه قانونی مربوط به پاشیدن اسید مصوب ۱۶ اسفند ۱۳۳۷ که به موجب قانون قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸ نسخ گردید، آمده بود: هر کس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیائی دیگر، موجب قتل کسی بشود به مجازات اعدام (که با توجه به قانون مجازات اسلامی به جای اعدام، قصاص جایگزین شده است) و اگر موجب مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس مجنی علیه گردد به حبس جنائی درجه یک و اگر موجب قطع یا نقصان یا از کارافتادگی عضوی از اعضاء شود به حبس جنائی درجه ۲ از دو سال تا ۱۰ سال و اگر موجب صدمه دیگر شود به حبس جنائی درجه ۲ از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد.

مقنن با تصریح به فعل پاشیدن مصادیق دیگر این مواد اگرچه منتهی به همان نتایج مندرج در ماده واحده شوند را از شمول این جرم خارج ساخته بود که در قانون تشدید مجازات مرتکبین اسیدپاشی ۱۳۹۷، تا حدودی این نقیصه رفع گردیده است. بر اساس تبصره ۱ ماده ۱ قانون مزبور، «ریختن اسید یا سایر ترکیبات شیمیایی بر روی فرد، فرو بردن اعضای بدن در درون اسید و اعمالی نظیر آن در حکم اسیدپاشی است». در تبصره اخیر، با آمدن عبارت «و اعمالی نظیر آن» در تبصره مزبور به نظر می رسد بتوان خوراندن یا تزریق اسید را مضمول قانون اسیدپاشی مصوب ۱۳۹۸ دانست اگر چه با تفسیر مضیق و به نفع متهم کمی ناسازگار است. اقداماتی مانند ریختن یا فرو کردن اعضاء بدن مجنی علیه در اسید، مترادف پاشیدن محسوب و منطبق با نظر مقنن در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مصوب ۱۳۹۸ است. اقدام مقنن در منحصر کردن تحقق جرم به «ترکیبات شیمیایی» قابل نقد است و در «قانون تشدید مجازات مرتکبین اسیدپاشی مصوب ۱۳۹۸ نیز رفع نشده است؛ بهتر آن بود که مقنن از عنوان کلی «ترکیبات شیمیایی و غیرشیمیایی» در متن قانون استفاده می کرد. برای پاشیدن ماده ی شیمیایی نیز استفاده از وسیله ی خاصی در تحقق جرم شرط نمی باشد و هر آن چه را که بتوان بر آن اطلاق «پاشیدن» نمود، می توان تحت شمول ماده دانست. برخی حقوقدان ها اقداماتی نظیر ریختن اسید و انداختن و فرو کردن اعضاء بدن مجنی علیه در اسید را نیز تحت شمول ماده دانسته اند که به نظر می رسد بتوان اعمال مذکور را در شمول تبصره ۱ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اسیدپاشی مصوب ۱۳۹۸ قرار داد و شمول ماده را بر انداختن مجنی علیه در ماده شیمیایی و یا فرو کردن اعضاء او را در آن، اگر چه به موجب لایحه قانون اسیدپاشی ۱۳۳۷ مسکوت بود می توان پذیرفت.

نکته دیگر، این که با توجه به قواعد کلی، جرم اسید پاشی نیز همانند سایر جرایم علیه اشخاص هم به صورت مباشرت و هم به صورت سببیت قابل تحقق است؛ پس در حالاتی که شخص عمل پاشیدن را به کودک غیر ممیز یا مجنونی واگذار می کند و یا با اکراه، شخص ثالث و یا حتی خود مجنی علیه را وادار به پاشیدن ماده ی شیمیایی می نماید با توجه به ضعف مباشر تنها عمل سبب مشمول ماده و قابل

مجازات خواهد بود. به موجب ماده ۴ ق. مجازات مرتکبین اسیدپاشی ۱۳۹۸، مجازات معاونت در

جرایم موضوع این قانون به ترتیب زیر تعیین می‌شود:

الف - در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، سلب حیات باشد، به حبس تعزیری درجه دو؛

ب - در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، قصاص عضو باشد، به حبس تعزیری درجه سه؛

پ - در صورتی که مجازات مرتکب قصاص نباشد یا به هر علتی قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، به یک درجه پایین‌تر از مجازات تعزیری مرتکب.

از جمله اجزاء **رکن مادی جرم اسیدپاشی** عبارتند از: قتل، تغییر شکل دائمی صورت قربانی و ایجاد جنایت موجب ديه.

اسید پاشی از جرایم مفید به نتیجه بوده و صرف مبادرت به پاشیدن مواد شیمیایی موجب تحقق جرم نخواهد شد. البته در این حالت در صورت وجود شرایط، عمل مرتکب در محدوده شروع به جرم قابل مجازات خواهد بود.

با توجه به ق. جدید تشدید مجازات مرتکبین اسیدپاشی مصوب ۱۳۹۸، در صورتی که مرتکب با قصد قتل مبادرت به پاشیدن اسید کند و یا در صورت فقدان قصد ابتدایی، اطلاق عنوان نوعاً کشنده به عمل او با توجه به نوع ماده شیمیایی به کار رفته و محل اصابت میسر باشد؛ عمل مرتکب مطابق با ماده **ماده ۱ ق. جدید اسیدپاشی مصوب ۱۳۹۸ می‌باشد. به موجب ماده ۱ ق. مزبور: «هرکس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر، با هر میزان غلظت موجب جنایت بر نفس، عضو یا منفعت شود، در صورت مطالبه از ناحیه مجنی‌علیه یا ولی دم حسب مورد با رعایت شرایط مقرر در کتاب قصاص، به قصاص نفس، عضو یا منفعت محکوم می‌شود».** در صورتی که مرتکب ثابت کند به نوع و میزان اسید جاهل بوده و یا قصد پاشیدن ماده‌ی شیمیایی به قسمتی غیر حساس از بدن مجنی‌علیه را داشته و ماده‌ی شیمیایی به طور کاملاً اتفاقی به موضع حساس بدن اصابت کرده، اطلاق قتل یا نقص عضو عمدی به عمل وی صحیح نخواهد بود.

رکن معنوی در جرم اسیدپاشی شامل سوءنیت عام و خاص می‌شود. سوء نیت عام: عمد در انجام کار است که با توجه به قانون، صرف سوء نیت عام یا قصد فعل پاشیدن اسید بر مجنی‌علیه کافی است و قصد ایجاد یکی از نتایج مذکور در ماده واحده ضرورتی ندارد. به علاوه لازم است که مرتکب به ماهیت وسیله (اسید یا ترکیبات شیمیایی دیگر) نیز آگاه باشد تا بتوان مرتکب را عمداً در پاشیدن اسید شناخت. در این جرم سوء نیت خاص (قصد نتیجه) شرط نیست و صرف سوء نیت عام کافی است و این اعم است از آنکه مرتکب نتیجه حاصله را خواهان بوده یا نبوده. لازم به ذکر است که ویژگی‌های مجنی‌علیه از نظر سن، جنس، سلامتی، بیماری، ضعف یا قوت نیز تأثیری در اعمال مجازات بر کسی که با پاشیدن اسید موجب مجروح شدن دیگری شده نخواهد داشت. از طرف دیگر کسی که صرفاً به قصد ترسانیدن دیگری یا ایجاد سوزش جزئی در پوست وی بر روی دیگری اسید می‌پاسد در صورت ایجاد یک ضایعه شدید

نظیر از بین رفتن عضو یا نابینایی قربانی، وی به مجازات شدید ماده ۱ یا دو ق. اخیرالذکر محکوم می شود. با تصویب قانون جدید مربوط به اسیدپاشی مصوب ۱۳۹۸ و به موجب تبصره ۲ ماده ۱ قانون فوق الذکر، می توان کسی را که بر روی دیگری اسید پاشیده است در صورت وجود شرایط مفسد فی الارض محسوب و مشمول ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قرار داد. لیکن در خصوص محارب نامیدن مرتکب اسیدپاشی باید گفت، علاوه بر اینکه در سلاح بودن اسید تردید است در ادامه ماده ۲۷۹ ق.م.ا. آمده است که اگر کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل وی جنبه عمومی نداشته باشد، محارب نیست. اگر چه مرتکب را در صورت دارا بودن شرایط ماده ۲۷۹ ق.م.ا. نیز می توان مجازات کرد اگر اسید سلاح محسوب گردد.

قانون مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴/۶/۲۸ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام

ماده ۱

کلاهبرداری و مصادیق آن (فریب دادن مردم از راه حيله و تقلب و متعاقب آن بردن مال دیگری):

هر کس از راه حيله و تقلب ،

- ◀ مردم را به وجود شرکتها یا تجارتخانه های یا کارخانه ها یا موسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا
- ◀ به امور غیر واقع امیدوار نماید یا
- ◀ از حوادث و پیش آمدهای غیر واقع بترساند و یا
- ◀ اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند
- ◀ و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر^۱ وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاسد حساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد



کلاهبرداری محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می شود.

نکات:

- مقنن در ماده مزبور، جرم کلاهبرداری را تعریف ننموده است و فقط به ذکر بیان مصادیقی از آن اکتفا کرده است. بنابراین در تعریف کلاهبرداری می توان گفت: «**بردن مال دیگری از طریق توسل توأم با سوءنیت به وسایل یا عملیات متقلبانه**»؛ به عبارت دیگر، وجود سه شرط اساسی و مهم برای تحقق جرم کلاهبرداری ضروری است ۱- متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده کلاهبردار برای اغفال دیگری

^۱ منظور هر گونه وسیله ای است که عرفاً وسیله متقلبانه به حساب آید. در زیر مثال هایی که دکتربین حقوق ذکر نموده اند بیان گردیده است نظیر دایر کردن مطب مجلّه برای تظاهر به امر پزشکی، ایجاد تصادف ساختگی بین دو وسیله نقلیه و گرفتن غرامت از شرکت بیمه، استفاده مالی کردن از دیگری تحت عنوان رمل اندازی برای یافتن اموال مسروقه وی، دادن معجون مهر و محبت برای بدست آوردن دل معشوق بی وفا، نشان دادن زمین مرغوب به جای زمین نامرغوب مورد معامله و فروش آن به مشتری، پوشانیدن عیوب آشکار مبیع توسط فروشنده، عوض کردن برچسب الصاق شده بر روی جنس از سوی خریدار و پرداخت مبلغ کمتر به بائع، فریب دادن دیگری نسبت به برقراری ارتباط وی با ارواح و گرفتن پول از او، فروش ساختمان های باستانی به عنوان ملک شخصی به فرد ساده لوح (دکتر میرمحمدصادقی، ص ۷۸-۷۹).

(ضابطه نوعی و عرفی) که از عبارت «...حیله و تقلب...» موجود در ماده فوق الذکر استنباط می گردد ۲ - فریب خوردن و اغفال قربانی **(ضابطه شخصی)** ۳ - متعلق بودن مال برده شده به غیر (دکتر میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳، ج ۳: ص ۶۲).

- **کلاهبرداری، با فعل مثبت انجام می شود** و با سکوت کردن، نمی توان به فردی انگ کلاهبردار زد مگر در صورت تبانی قبلی با شخص ثالث و نیز گرفتن مال توسط مرتکب. مثلاً، کارمندی که مدد معاش دختر شوهر کرده خود را بگیرد نمی توان وی را کلاهبردار دانست (مستفاد از رأی وحدت رویه ۲۴۹۶ - ۱۳۳۷/۴/۳۱؛ به نقل از دکتر میرمحمدصادقی، ج ۲، ۱۳۹۳: ص ۶۱) زیرا کارمند مزبور، تنها از مطلع کردن مقامات مربوطه نسبت به ازدواج دخترش و **اظهار حقیقت** که موجب عدم استحقاق وی نسبت به دریافت کمک هزینه دختر می گردد امتناع کرده است.

- اگر چه، صرف فروختن جنسی گرانتر از قیمت روز نمی تواند موجب کلاهبرداری شود (مستفاد از رأی وحدت رویه ۲۷ - ۱۳۳۰/۲/۳) لیکن چنانچه، فردی **با توسل به وسایل متقلبانه** جنسی را برخوردار از کیفیت بهتر تلقی کند و بدین ترتیب گرانفروشی نماید، عنوان کلاهبرداری بر وی صدق می نماید (همان: ص ۶۴).

- **صرف دروغگویی (حتی کتبی)، نمی تواند سبب کلاهبرداری** (یا حتی سبب ارتکاب جرم دیگر) گردد تا زمانی که با عملیات متقلبانه دیگر (نظیر جعل) همراه نگردد ولی، با وجود شرایط اگر کسی با **دروغگویی** اموالی تحصیل نماید شاید بتوان وی را به جرم **تحصیل مال نامشروع** محکوم نمود (ماده ۲ ق.ت.م.ا.ک. ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام). البته اگر دروغگویی، در قالب سوگند دروغ یا شهادت دروغ گنجانده شود جرم خاص محسوب می شود (مواد ۶۴۹ و ۶۵۰ ق.م.ت.عزیرات).

- **بردن مال غیر باید نتیجه مستقیم و اصلی توسل به وسایل متقلبانه باشد** نه غیر مستقیم بنابر این؛ اگر کسی با تقدیم دادخواست واهی به دادگاه از طریق صدور حکم مال دیگری را ببرد کلاهبردار نیست (مستفاد از رأی وحدت رویه ۶۹۶ - ۱۳۱۲/۶/۹ دیوان عالی کشور).

- **کلاهبردار ممکن است با استفاده از سند خالی از وجه** (مانند استفاده از شناسنامه شخص مرده برای دریافت کوپن یا ارائه حکم بدوی به محکوم علیه برای اخذ محکوم به در حالی که بعداً، این حکم در مرحله تجدیدنظر نقض شده) **مال دیگری را ببرد**. مانند آنکه طلبکاری همان موقعی که طلبش را از بدهکار دریافت کرده سند آن را به معاذیری که منظورش تقلب و استفاده نامشروع از آن بوده نگاه دارد و به او رد نکند و بعداً به موجب همان سند بر او اقامه دعوا نماید (رأی ۱۵۲۳ - ۱۳۱۸/۷/۹ دیوان عالی کشور؛ به نقل از کتاب جناب آقای دکتر میرمحمدصادقی، پیشین، ص ۶۹).

- **تبصره الحاقی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، به ماده ۴۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ در خصوص تعلیق مجازات کلاهبرداری مقرر می دارد:**

تبصره - در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت همکاری مؤثر در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است. همچنین **تعلیق مجازات جرایم علیه عفت عمومی** (به جز جرایم موضوع مواد (۶۳۹) و (۶۴۰) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و